

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

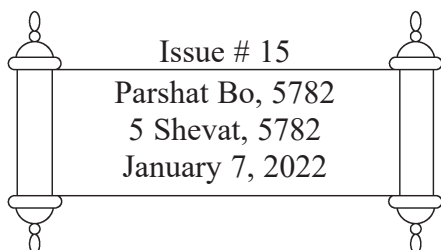
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, January 7, Light Shabbat Candles, by 4:41 p.m.

Saturday, January 8, Shabbat ends at 5:45 p.m.

(Times are for Los Angeles)

THIS ISSUE IS PRINTED IN LOVING MEMORY OF

ע"ה Rabbi Ariel

שליט"א Reb Shaltiel Zeev - יבלחט"א - ben

Rav-Noy

on the occasion of his 7th yahrtzeit,

8 Shevat, 5782

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY

CHABAD PERSIAN YOUTH

Rabbi Hertzel 'ש' Peer

Los Angeles, California

JEWISH CHILDREN:

Get your own letter

in a Sefer Torah!

<http://www.kidstorah.org>

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzel Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

בו

۶- نجات آینده

“همچون روزهای خروجت از مصر من به شما عجایبی را نشان خواهم داد.”^{۱۸} و این مطلب به این معناست که نجات آینده نیز همچون نجات از مصر خواهد بود. نجات از مصر پاداشی برای آن ایمان ماوراء طبعی بود که بوسیله ییسرائل ها آنچنان درونی شده بود که بر روی نیروهای خارجی آنها و حتی بر روی محیط و دنیای غیر انسانی تاثیر گذاشته بود (خون بریت و خون قربانی پسخ) به همین گونه نیز نجات آینده ایسرائل پاداشی است به ایمان ما. ایمانی که به پنهان بودن خداوند که گالوت ما باعث آن شده است توجهی نمی کند. ایمانی که هنوز محکم به آمدن ماشیح چسبیده است. ایمانی که در فکر ما متزلزل نبوده بلکه اطمینانی در درون ما ایجاد می کند و تمامی جنبه های زندگی ما را فرا می گیرد.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد سوم ص ۸۶۴ الی ۸۶۸ و ۸۷۲) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 864-868, 872)

۱۸-میخا ۱۵-۱۸

This week's issue is sponsored in part by:

B”H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

“For All Your Notary Needs - At **Your** Location”

دو موضوع غیرعادی ضربه دهم و ضربه اولزادگان را از دیگر ضربات وارد شده به مصری ها متفاوت می کند. اول آنکه موشه در مورد این ضربه زمان مشخصی را تعیین می کند “حدود نیمه شب” و دوم آنکه به ییسرائل ها هم دستور داده میشود که در مقابل این ضربه احتیاط های لازمه را انجام بدهند. آنها می بایست در خانه بمانند و علامتی با خون بر چهار چوب درب خانه هایشان بکشند. این مبحث این موضوع را مورد بررسی قرار میدهد که چرا این دو موضوع فقط در مورد این ضربه خاص عنوان شده است و نه در مورد ضربه های دیگر؟ و راهی را که باید طی کرد تا نجات را فراهم شود را به ما نشان میدهد.

۱- زمان و احتیاط

موقعی که موشه ربنو آمدن آخرین ضربه را به فرعون اعلام کرد او زمان وقوع این ضربه را نیز به فرعون می گوید. با وجود آنکه خداوند به موشه می گوید که آن در “نیمه شب” اتفاق می افتد ولی موشه به فرعون می گوید که آن در “حدود نیمه شب”^۱ اتفاق می افتد. موشه نگران آن بود که ستاره شناسان فرعون در تعیین وقت دقیق نیمه شب اشتباه کنند و ادعا کنند که این اوست که اشتباه کرده است.^۲ با این حال این مطلب مشکلی را فراهم می کند و آن اینکه اصولاً چرا در مورد این ضربه زمان مشخصی تعیین شده است. هشدار دادن و آگاه کردن فرعون در مورد این ضربه همانگونه که در مورد نه ضربه دیگر نیز اینطور بود، کاملاً کافی بنظر میرسید. برای هیچکدام از ضربات دیگر، زمان خاصی به این شکل تعیین نشده بود. در اینجا ما بناچار به این نتیجه میرسیم که یک رابطه مخصوص ما بین “ضربه اولزادگان” و زمان “نیمه شب” وجود دارد تا آنجا که زمانی که موشه یکی را اعلام می کند دیگری را نیز می بایست حتماً اعلام کند. در دو مورد دیگر نیز ضربه اولزادگان با دیگر ضربات متفاوت بود. اول آنکه ییسرائل های می بایست علامتی با خون بر روی دو ستون و سردر خانه هایشان بکشند^۳ این خون که شامل خون بریت و خون قربانی پسخ بود باعث می شد که آنها در امان بمانند و این ضربه به آنها اثری نکند.

دوم آنکه آنها می بایست در تمامی شب در خانه هایشان بمانند. و "هیچیک از شما از درب خانه اش تا صبح خارج نشود".^۴ بخاطر آنکه زمانی که به قدرت نابود کنند اجازه رهایی داده میشود آن قدرت دیگر تفاوتی مابین صدیق و ظالم قائل نمی شود.^۵ اما چرا اینگونه احتیاط هایی لازم بود در حالی که در ضربه های قبلی باوجود آنکه مصری ها صدمه می دیدند بیسرائل ها لازم نبود هیچگونه احتیاط های قبلی را در نظر بگیرند تا خودشان را از این صدمات حفظ کنند؟ این دهمین ضربه چرا می بایست با دیگر ضربات تفاوت داشته باشد؟ و چرا در این ضربه دو احتیاط قبلی یعنی داشتن علامت خون بر درب خانه ها و ماندن در خانه ها لازم بود؟

۲- ویژگی های ضربه نهایی

با دانستن این مطلب که ضربات قبلی از نوعی نبودند که در مورد آنها گفته بشود زمانی که به قدرت نابود کننده اجازه رهایی داده میشود. "ما میتوانیم به سؤالات بالا پاسخ بدهیم. عملکرد ضربات قبلی محدود بود و میزان معینی صدمه و آسیب ایجاد می کردند به عنوان مثال نگرگ تنها کتان وجور را نابود کرد ولی گندم و گندم سیاه از بین نرفت چرا که دیر رس بودند".^۶ ولی عملکرد ضربه اولزادگان هیچگونه محدودیتی نداشته و "تفاوتی مابین صدیق و شخص ظالم قائل نمیشد". در آنجا که چنین نیرویی رها و آزاد میشد بیسرائل ها می بایست در مقابل آن احتیاط کرده و مواظب خود باشند.

اگر موضوع را عمیق تر بررسی کنیم می بینیم که ضربه اولزادگان نه فقط در عملکردش بلکه در هدفش نیز بادیگر ضربات متفاوت بود. هدف از ضربه های قبلی آن بود که مصری ها به وجود خداوند آگاه بشوند و نه آنکه مصری ها بوسیله این ضربه ها کشته بشوند. "اینگونه بدانند که من خداوند هستم"^۷. و این موضوعی بود که لازم نبود که بیسرائل ها از آن آگاه بشوند برای آنکه آنها خداوند را می شناختند.^۸ همچنین باید دانست که در تمامی ضربات قبلی هدف آن بود که مصری ها قدرت خداوند را درک کنند نه آنکه کشته بشوند اما در ضربه اولزادگان هدف آگاه کردن مصری ها به قدرت خداوند نبود بلکه هدف تنبیه آنها و از بین بردن آنها بود. حال که هدف تنبیه است پس بنابراین صفت عدالت صرف الهی ادعا می کند که در این

نگاهداری کنند و سپس گوشتش را به آتش بکشند. این عمل جانفشانی عملی و رای منطق و عقل می باشد. بنابراین قربانی پسخ جوابی از طرف بیسرائل ها برای خداوندی بود که منطق را پشت سر می گذاشت.

به این ترتیب با انجام دادن این دو علامت خداوند نیز عشق خودش را که و رای منطق و عقل می بود را به بیسرائل ها نشان داد عشقی که در نیمه شب ظاهر شد و از ذات الهی سرچشمه گرفته و آنها را از صدمه دیدن در ضربه دهم نجات داد.

۵- ایمان و منطق

در اینجا ما تضاد مشخصی را در گفته های ربانیم در مورد این که بخاطر صداقت چه کسانی بود که بیسرائل ها از مصر نجات یافتند را حل می کنیم. در یک جا عقیده بر این است که رهایی آنها بخاطر ایمان خود آنها بود.^{۱۳} آن قوم ایمان آورده و وقتی که شنیدند که خداوند از بیسرائل ها تفقد کرده است و همچنین بیچارگی آنها را دیده است سرفروود آورده و تعظیم^{۱۴} کردند. و در جای^{۱۵} دیگری عقیده دیگری وجود دارد حاکی از این که نجات آنها پاداشی بخاطر انجام این علامت خون بریت و علامت خون قربان پسخ بوده است همانطور که گفته شده است "درخونت زنده بمان در خونت زنده بمان".^{۱۶}

اما هر دو این عقاید یکی هستند. این علامات پیوندی را مابین خداوند و بیسرائل ها بوجود آوردند که و رای منطق بود و ایمان آنها نیز ایمانی و رای منطق بود. قبل از آزادی "حتی یک برده هم تاکنون نتوانسته بود که از مصر فرار کند برای آنکه آن سرزمین کاملاً بسته و از همه طرف محصور بود".^{۱۷} حال تا چه اندازه غیر منطقی است که فکر کنیم یکباره ششصد هزار نفر مرد بالا تر از بیست سال از مصر فرار کردند. مردمی که از ظلم فرعون شکسته شده و محکوم به نابودی بودند. (فرعون مصر دستور کشتن همه فرزندان ذکور را داده بود.) این ایمان خالصی که بیسرائل ها نسبت به ماموریت مشه و نسبت به قول خداوند داشتند ایمانی بود که عقل و منطق را پشت سر می گذاشت. و این ایمان باعث شد که خداوند آن عشق بدون قید و شرط خودش را نسبت به قومش نشان دهد. عشقی که نشان دهنده پیوند ناگسستنی مابین آنهاست.

۱۳-مخیلتا شموت ۱۴-۳۱ ۱۴-شموت ۴-۳۱ ۱۵- پیرکی دربی الیعزر فصل ۲۹ مخیلتا شموت ۱۲-۱۶ راشی

۱۷- مخیلتا شموت ۱۱-۱۸ راشی ۱۸-۱۹

۱۶- حزقیال ۶-۱۶

۴- پیرکی دربی الیعزر فصل ۲۹ ترگرم یوناتان شموت ۱۳-۱۲ زوهر بخش دوم ۳۵ ب ۵- راشی شموت ۲۲-۱۲

۶- شموت ۳۱-۳۲، ۷- شموت ۱۷-۱۸، ۸-۱۴، ۹-۸ رجوع شود به تورا اوور وائرا ۵۷ الف

بنابراین در زمان وقوع ضربه نهایی خداوند آن عشق ذاتی اش را نسبت به اسرائیل نشان میدهد. عشقی که آنچنان زیاد است که جایی برای نقطه نظرهای عدالت محض (میدت دین) باقی نمی گذارد. عدالت محضی که می گوید "مگر نه اینکه «عساو» برادر «یعقوب» است؟" (پس آیا آنها باهم برابر نیستند) و خداوند جواب میدهد که "معهدا من یعقوب را دوست دارم و عساو را دشمن" ^{۱۱} برای آنکه عشق خداوند نسبت به بنی اسرائیل همچون عشق پدر نسبت ^{۱۲} به فرزندان آنچنان عمیق و لطمه ناپذیر است. "شما فرزندان خدای خالقتان هستید".
به همین علت بود که مشه زمان انجام این ضربه را عنوان کرد. در این مطلب او اشاره می کند که این ضربه بوسیله خود خداوند با تمامی عظمتش و عشقش به بنی اسرائیل صورت می گیرد. چون در غیر این صورت فرعون و درباریانش ممکن بود اینگونه تصور کنند که در ضربه ای که هدفش نابودیست، اسرائیل ها هم که گناهکار هستند شامل آن شده و صدمه خواهند دید. و تنها ظهور عشق بدون قید و شرط خداوند در (نیمه شب) بود که اسرائیل ها را نجات میداد.

۴- علامت و عشق

با این حال چرا هنوز اسرائیل ها احتیاج به علامت داشتند؟
جواب این است که برای آوردن حضور الهی به دنیای فیزیکی انسان می بایست اعمالی حاکی از عبادت انجام دهد. اعمالی که دقیقاً در تورا مشخص شده است. حتی چنانچه ما بخواهیم آن عشق بدون قید و شرط را که همواره دائمی و حاضر است را ظاهر و آشکار کنیم این مطلب احتیاج به یک جواب عملی از طرف ما دارد در این مورد از آنجا که این عشق بدون قید و شرط می باشد، جواب نیز می بایست بدون قید و شرط یعنی ورای محدودیت های درک منطقی و عقلانی باشد.

هر دو این علامات، خون بریت میلا و خون قربانی پسخ، دارای همین شرایط بودند. پیمان بریت بر روی فرزند یهودی ای انجام میشود که فقط هشت روز دارد. زمانی که هنوز قدرت منطقی و عقل او شکل نگرفته است. این پیوندیست مابین فرد یهودی و خداوند که ورای منطقی و عقل است و انجام قربانی پسخ نیز در آن زمان آنچنان خطرناک بود که از خودگذشتگی و جانفشانی بسیار لازم داشت. گوساله ای که قربانی میشد از خدایان مصری بحساب می آمد. اسرائیل ها نه فقط می بایست آنرا بکشند بلکه می بایست به مدت چهار روز در جلو چشم مصریان از آن

ضربه نهایی اسرائیل ها هم باید تنبیه و کشته بشوند. چرا که چه تفاوتی است مابین اسرائیل های بدویت پرست ^۹ و اولزادگان مصری. هر دو اینها شایسته تنبیه هستند چرا فقط مصری ها؟
به همین خاطر اسرائیل ها باید در مقابل این قدرت نابود کننده احتیاط های لازم را انجام بدهند تا خودشان را حفظ کنند. قدرتی که وسیله ایست در اختیار عدالت صرف الهی. که در مصر به این نیرو آزادی عمل داده شده بود.

این پیشگیری و احتیاط می بایست به دو ترتیب انجام میشد و از آنجا که این نیرو تبعیض و تفاوتی قائل نمی شود و حد و مرزی برای آن وجود ندارد داشتن علامت به تنهایی نمی توانست محافظتی در مقابل آن باشد. بلکه اسرائیل ها می بایست در خانه هایشان نیز باقی می ماندند و بنابراین لازم بود که خانه های یهودی بوسیله علامتی از خانه های مصری متفاوت بشود. و از آنجا که خداوند از روی این خانه ها گذر می کرد. در درون این خانه ها این نیرو محدود شده و اسرائیل ها در این خانه ها مصون میمانند.

۳- نیمه شب

اما آنچه که هنوز در کش مشکل است این است که از نقطه نظر عدالت محض (میدت دین) چه تفاوتی مابین مصری بدون خدا و یهودی گناهکار وجود دارد؟ و چگونه قرار دادن یک علامت می تواند به این سؤال پاسخ دهد.

جواب این است که این ضربه نهایی بوسیله "خود خداوند با تمامی عظمت و ذاتش" انجام شد. خداوندی که ماورای تفاوت ها است و بالاتر و کنترل کننده عدالت محض می باشد. در این چنین مقامی این سؤال عدالت محض اصولاً مطرح نشده و عملی نمیشود.

و از این موضوع ما ارتباط مابین نیمه شب و این ضربه را درک می کنیم. نیمه شب لحظه ایست که این قدرت ماورای طبیعی خداوند آشکار شده و آن لحظه ای است که دو نیمه شب را به هم متصل می کند. نیمه ای که از نور به تاریکی عمیق منتهی می شود و سمبل قدرت و کنترل (گوروا) است و نیمه ای که از تاریکی به نور منتهی می شود و سمبل محبت و احسان خداوند (حسد) است. و در یک لحظه یعنی نیمه شب این دو نیمه و حالت متضاد هماهنگ شده و به این وسیله حالت تازه ای را بوجود می آورند. و این لحظه ای است که خداوند در ذات مبارک خودش متجلی می شود. ^{۱۰}

۹- یلقوت رعونتی بر شמות ۲۷-۱۴ زوهر بخش دوم ۱۷۰ ب
۱۰- اورهورا بر وییحلیک علیهم فصل پنجم (برشیت ص ۷۵)